

چند غزل اصیل حافظ

همه می‌دانند که در نسخه‌های بسیار متعدد خطی و چاپی که از دیوان غزل‌سرای بزرگ شیرازخواجه شمس‌الدین محمدحافظ در دست است اختلاف ناهادی است که از جمع همه آنها چندین جلد کتاب که هر یک بزرگتر از مجموع دیوان باشد حاصل خواهد شد .

یکی از این اختلاف‌ها در شماره غزل‌هاست . یعنی بعضی از نسخه‌ها متضمن غزل‌های بسیاری است که در نسخه‌های دیگر نیست و غالب آن‌ها از آثار غزل‌سرایان دیگر پیش از حافظ و بعد از او است که به خطا در دیوان خواجه وارد شده است . اما غزل‌های بسیاری نیز هست که به دیگری نسبت نداده‌اند ، یا اگر داده اند این نسبت ضعیف یا مردود است . با این حال چون این گونه غزل‌ها در همه نسخه‌های دیوان خواجه ثبت نشده است در صحت انتساب آن‌ها به حافظ شیرازی تردیدی هست و غالباً بحث در این باب به سلیقه شخصی و استدلال‌های ذوقی راجع می‌شود و نتیجه قطعی از آن به دست نمی‌آید .

از میان نسخه‌های فراوانی که تاکنون از دیوان کامل حافظ به طبع رسیده است تنها نسخه چاپ مرحوم قزوینی است که شیوه تنقیح آن بر اساس درست علمی استوار است^۱ و به این سبب می‌توان به آن اعتماد کرد .

دانشمند فقید در مقدمه این چاپ پس از اشاره به اختلافاتی که در نسخه‌های گوناگون دیوان حافظ وجود دارد می‌نویسد :

« به عقیده این جانب و بر حسب تجربه شخصی او فقط علاچی که برای تهیه طبع نسخه مصحح متقنی از این نوع متون ، یعنی کتبی مانند دیوان خواجه . . . متصور است آن است که باید در صورت امکان نسخه یا نسخی معاصر خود مؤلف ، والا حتی المقذور چند نسخه که از همه نسخ دیگر نزدیک تر به عصر مؤلف باشد به دست آورد و سپس از روی همان نسخ منحصرأ وبدون هیچ التفانی به نسخ متأخره اعصار بعد طبعی مکمل و مصحح با نهایت دقت به عمل آورد و از عموم نسخ جدیده چشم پوشیده از آنها جز برای تأیید و ترجیح جانبی بر جانبی در مورد اختلاف بین نسخ قدیمه استفاده ننمود . . . »

مرحوم قزوینی سپس در چند صفحه بعد می‌نویسد : « چون نسخه خلخالی که در سنه ۸۲۷ کتابت شده عجاله تا نسخه قدیم تری از آن به دست نیامده آن را باید قدیم تری آن نسخه موجوده تاریخ دار دیوان حافظ در دنیا محسوب داشت لهذا من خود را ملتزم و مقید کردم که در خصوص کمیت اشعار ، یعنی از لحاظ عدد غزلیات و عدد ابیات هرغزلی ... از ابتدا تا انتهای

۱ - چاپ دیگری که مبتنی بر نسخه‌ای کهن تر و معتبرتر از مآخذ مرحوم قزوینی است از طرف انتشارات سخن منتشر شده است . اما این نسخه متضمن همه دیوان خواجه نیست و انتخابی از آن است .

کتاب فقط و منحصر آ همان نسخه را اساس کار خود قرار دهم و هرچه در آن نسخه موجود است از غزلیات و مقطعات و مثنویات و رباعیات تماماً وبدون هیچ زیاده و نقصان آنها را چاپ کنم ، و هرچه در آن نسخه موجود نیست ، خواه غزلیات و خواه ابیات متفرقه بعضی غزلها یا غیر ذلك آنها را مطلقاً کالعدم انگاشته بکلی از آن صرف نظر نمایم ... »

مرحوم قزوینی پس از ذکر آنکه متن این نسخه را با سه نسخه دیگر (که البته هیچ يك تاریخ کتابت مقدم بر نسخه خلخالی نداشته اند) سنجیده است می نویسد : « از مجموع این قرائن ظن بسیار قوی بلکه علم قطعی حاصل می شود که آنچه غزلیات بشمار آنها یا ابیات متفرقه هرغزلی در این چهار نسخه موجود نیست تقریباً به نحو قطع و یقین وبدون هیچ شك و شبهه از خود حافظ نیست بلکه از دیگران است ... »

این روش البته متین و معتبر است و اگر نسخه های دیگری که تاریخ مسلم کتابت آنها مقدم بر نسخه خلخالی باشد به دست نمی آمد ناچار هر محقق می بایست به همین نسخه مصحح مرحوم قزوینی اعتماد کند و فی الواقع آنچه را که در آن نسخه نیست از حافظ نداند یا درصحت انتساب آنها تردید بسیار داشته باشد .

اما در زمانی که مرحوم قزوینی به تصحیح نسخه حافظ اشتغال داشت به سبب آنکه هنوز آتش جنگ جهانی شعله ور بود به کتابخانه های مختلف جهان دسترس نبود و آن دانشمندی از وجود نسخه های دیگر بی خبر ماند .

پس از آن بر اثر کاوش محققان در کتابخانه های چندین کشور اروپائی و آسیائی نسخه های متعددی دیگر کشف شد که تاریخ کتابت صریح و مسلم آنها بر تاریخ کتابت نسخه خلخالی که یگانه مرجع مورد اعتماد قزوینی در تهیه نسخه چاپی بود تقدم داشت . بنابراین این اکنون دیگر نمی توان تنها به نسخه خلخالی اکتفا کرد و غزل های منسوب به خواجه حافظ را که در آن نسخه نیست الحاقی دانست ، بلکه بر حسب همان روشی که مرحوم قزوینی پیش گرفته و در آن مصاب بوده است هر گاه غزل هایی جز آنچه در نسخه چاپی او آمده است در نسخه های دیوان حافظ که تاریخ کتابت آنها پیش از سال ۸۲۷ بوده باشد یافت شود باید آنها را به قطع و یقین از آثار خواجه شیراز شمرد ، مگر آنکه دلیل صریح و قطعی برای رد این انتساب یا برای نسبت دادن آنها به شاعری دیگر در دست باشد . بنابراین نگارنده سزاوار دانست که متن غزل هایی را که در این نسخه های معتبر و مقدم بر نسخه اساس طبع قزوینی دیده است در صفحات این مجله ثبت کند که مشتاقان آثار حافظ به اصالت نسبت آنها به خواجه واقف شوند و تا کار تهیه متن کامل و مصحح دیوان حافظ انجام نگرفته است ، به کمان الحاقی بودن ، استفاده از این غزلها را متروک نگذارند .

اما غالب نسخه هایی که اینجا مورد استناد و استفاده واقع شده است به همت دوست بسیار دانشمندی من آقای مجتبی مینوی به دست آمده و این مرد فاضل که همه عمر خود را به فحص و استقصاء در کتاب ها و کتابخانه ها گذرانده است نسخه های معتبر اصیل از

دیوان خواجه حافظ در نقاط مختلف جهان یافته و از آنها عکس برداشته و مجموعه‌ای به نسبت کامل فراهم آورده است و از آنجا که سعه صدر اوست قسمتی از این مجموعه را در اختیار نگارنده این سطور گذاشته تا برای تهیه متن انتقادی و کامل دیوان حافظ که همیشه مورد آرزوی من بوده است از آنها استفاده کند، و من این لطف و کرامت را به آن شرط پذیرفته‌ام که خود آن دوست دانشمند در این خدمت همکار و یاورم باشد تا از اطلاعات عمیق و نظر وسیع و دقیق او برای توفیق در این کار بهره مند شوم.

اینک، به ترتیب الفبا، غزل‌هایی را که در نسخه چاپ قزوینی نیست اما در نسخه‌های خطی که تاریخ کتابت آنها مقدم بر نسخه خلخالی است ثبت است، در ذیل می‌آورم و آنجا که یک غزل در چند نسخه وجود داشته باشد به اختلاف نسخه‌ها در کلمات و در ترتیب ابیات نیز اشاره می‌کنم. ضمناً این نکته را هم یاد آوری می‌کنم که بیشتر این غزل‌ها یا نزدیک به تمامی آنها در نسخه‌های مختلف دیگر آمده است و تنها آنچه موجب نوشتن این سطور شده نبودن آنها در نسخه چاپ قزوینی است.

۱

این غزل در نسخه‌ای که در سال ۸۲۵ کتابت شده جزء غزل‌های خواجه شمس‌الدین محمد حافظ آمده است. نسخه مورد استناد دیوان سلمان ساوجی است که در حاشیه آن غزل‌های حافظ ثبت است. در آخر دیوان حافظ به خط ثلث نوشته شده است: «تم الاشعار من نتایج افکار مولی الاعظم السعید شمس الملة والدين محمد الحافظ الشيرازی نورالله مرقدہ فی شہور السنۃ خمس وعشرین قنعا نعا نہ . . .» این نسخه را از این پس نسخه «ک» خواهیم خواند.

اینک متن غزل: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ما برفتم و تو دانسی و دل غمخور ما

بخت بسد تا به کجایم برد آبشخور ما

از نثار مژه چون زلف تو در زر گیرم

قدمی کز تو سلامی برساند بر ما

به دعا آمده‌ام هم به دعا دست بر آر

که وفا با تو قرین باد و خدا یاور ما

فلک آواره به هر سو کندم می‌دانی

رشک می‌آیدش از صحبت جان پرور ما

گر همه خلق جهان بر من وتوحیف برند

بکشد از همه انصاف ستم^۱ داور ما

به سرت کر همه آفاق به هم جمع شوند^۲

نتوان برد هوای تو برون از سرما

۴

غزل ذیل در دو نسخه از نسخه های مورد استفاده ماثبت است : اول در نسخه ای که به سال ۸۱۳ برای کتابخانه سلطان جلال الدین اسکندر پسر امیر تیمور نوشته اند . کاتب در ابتدا قصد انتخاب داشته و به این سبب در عنوان چنین نوشته است : « من دیوان مولانا محمد الحافظ » و پس از آنکه منتخبی از غزل های حافظ را به ترتیب حروف تاجزیم یاد رسانیده و در آخر آن نوشته است : « به ایام سلطنت پادشاه اسلام فرمان فرمای هفت اقلیم سلطان جلال الدین والدین اسکندر خلد الله ملکه و سلطنته » باز از حرف الف زیر عنوان « تمهه دیوان حافظ » غزل های ترك شده^۳ را ثبت کرده و در آخر « الفردیات و المعنیات والهجا » نوشته است : « تم دیوان الحافظ بعون الله و توفیقه و صلی الله علی خیر خلقه محمد » . این نسخه را از این پس به علامت « ب » خواهیم شناخت .

دوم در نسخه « ك » که مشخصات آنرا پیش از این ذکر کردیم متن غزل را از روی نسخه « ب » که قدیم تر است قسمت « تمهه حرف الباء » می آوریم و اختلافات آن را با نسخه « ك » در ذیل ثبت می کنیم :

صبح دولت می دمد کو جام همچون آفتاب

خانه بی تشویش و ساقی بار و مطرب نیکه گوی^۴ سانی

موسم عیش است و دور ساغر^۵ و عهد شباب

از پی تفریح طبع و زیور حسن طرب^۶

خوش بود تر کیب زرین جام با لعل مذاب

از خیال لطف می مشاطه چالاک طبع

در ضمیر بر کک گل خوش می کند پنهان کلاب

۱ - در اصل : انصاف و ستم ۲ - در نسخه های دیگر چنین است . کر همه عمر ۳۱ - ستم جمع شوند . نسخه ك : ۳ - مطرب بذله گو ۴ - روز ساغر ۵ - حسن و طرب

شاهد و مطرب^۱ به دست افشان و مستان پای کوب

غمزه ساقی ز چشم می پرستان برده^۲ خواب
باشد آن مه مشتری درهای حافظ را اگر
می رسد هر دم به گوش زهره^۳ کلبانک در باب

۳

غزل ذیل تنها در نسخه «ك» که وصف آن گذشت (مکتوب در سال ۸۲۵)
به این صورت ثبت است :

ز باغ وصل تو یابد ریاض رضوان آب

ز تاب هجر تو دارد شرار دوزخ تاب

به حسن^۴ عارض و خط تو برده اند پناه

بهشت و کوثر^۵ طوبی لهم و حسن مآب

چو چشم من همه شب جو بیار باغ بهشت

خیال تر کس مست تو بیند اندر خواب

بهار شرح جمال تو داده در یک فصل

بهشت ذکر جمیل تو کرده در هر باب

لب و دهان ترا ای بسا حقوق نمک

بسوخت این دل خام و به کام دل فرسیدند
شوشگاه علوم که هست بر جگر ریش و سینه های کباب

به کام اگر بر سیدی نریختی خوناب

کمان بری که به دور تو عاشقان مستند

خبر نداری از احوال زاهدان خراب

مرا به دور لب ت شد یقین که جوهر لعل

پدید می شود از آفتاب عالم تاب

(دنباله دارد)

۱ - ساقی ۲ - اصل در هر دو نسخه « مست خواب » است . در نسخه « ك » مصراعهای

دوم بیت های سوم و چهارم پس و پیش است و بیت ششم وجود ندارد . ۳ - در اصل

نسخه : به عود زهره ۴ - اصل : حسن و عارض ۵ - اصل : کوثر و